



حقوق کودکان و معلولان در زندگی شهری (با تکیه بر حق سلامت)

مهسا آزاد

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)

Tarannom.mahsa@gmail.com

اکبر بشیری

استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

M_akbar_bashiri@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اینکه حقوق شهری یکی از موضوعات مورد توجه در زندگی شهری افراد جامعه و بالاخص کودکان و معلولان می باشد، لذا توجه بیش از پیش به این موضوع مبرم و متقن تلقی می شود. کودکان در شهرهایی زندگی می کنند که نیاز به توجه به حقوق شهروندی آنها است و از سوی دیگر زمینه سازی برای دسترسی افراد دارای معلولیت به مواهب و فرصت های اجتماعی همواره در اولویت برنامه های مربوط به احقاق حقوق معلولین قرار داشته است.

روش تحقیق: این تحقیق که به صورت توصیفی- تحلیلی می باشد سوال تحقیق چنین مطرح می شود که حقوق کودکان و معلولان در زندگی شهری به چه صورت می باشد؟ و به عبارت دیگر آیا حقوق کودکان و معلولان در زندگی شهری مورد توجه قرار می گیرد؟

یافته ها: نتایج نشان می دهد که در فضای جمعی، دامن های بازی کودک گاهی دور از دسترس و زمانی با نقص های جدی روبرو است. به طور مثال حق رفت و آمد کودکان نیز با توجه به شرایط شهر سازی و تردد رفت و آمدی سواره روها اضافه می شود، محدود گردیده است. در شهر، زمینه های مناسب و معیارهای قانونمندی که یک زندگی راحت و خالی از دغدغه خاطری که حق طبیعی، اجتماعی و شهروندی کودکان در آن رعایت شده باشد، با ضعف روبرو است. از سوی دیگر نیز در سال های گذشته که معلولان کمتر در عرصه اجتماعی حاضر می شدند، نیازهای آنها نیز محدود است. فرد معلول باید امکاناتی داشته باشد تا انگیزه او را برای فعالیت در جامعه تقویت نماید.

نتیجه گیری: این امکانات می تواند امکانات شهری را در بر گیرد، یا حمایت های روحی و ذهنی را شامل شود. باید شکاف میان معلولین و پیشرفت، روزبه روز کم رنگ تر شود تا بتوان از قابلیت آنها در ارتقای کشور استفاده کرد و از سوی دیگر، حقوق آنها را به عنوان یک شهروند تأمین نمود.

کلمات کلیدی: حقوق کودک، حقوق معلول، زندگی شهری، حق سلامت.

مقدمه

برای بسیاری از کودکان در سراسر جهان، شهرها به زیستگاه طبیعی آنها تبدیل شده است. طبق گزارش سازمان ملل متحد، 54 درصد از جمعیت جهان امروز در مناطق شهری زندگی می کنند، درصدی که انتظار می رود تا سال 2050 به 66 درصد افزایش یابد. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک هیچ اشاره ای به شهرها نکرده است، اما نظر عمومی آن در سال 2013 در مورد حق کودک برای استراحت، اوقات فراغت، بازی، فعالیت های تفریحی، زندگی فرهنگی و هنر به ایجاد محیط های شهری و روستایی اشاره دارد که رفاه کودک را ارتقا می دهد (پنگ¹، 2020: 105). یونیسف چارچوبی را برای تعریف و توسعه شهر دوستدار کودک تهیه کرده است، در سطحی که بیشترین تأثیر مستقیم را بر زندگی کودکان دارد. لذا در جهان، شبکه ای از شهرهای دوستدار کودک، که به ترویج حقوق

¹ Peng



کودکان و جوانان اختصاص یافته است، پدید آمده است. تفکر در مورد کودک و حقوق کودکان در شهر این سوال را مطرح می کند که چگونه این هنجارهای برای کودکان شهر معنا پیدا می کند. حتی بیشتر از آن، اکنون که می توان استدلال کرد که هم در سطح جهانی و هم در سطح ملی اهمیت دولت-ملت در حال کمرنگ شدن است. فرآیندهای کنونی تمرکززدایی شهرها را مجبور می کند که مسئولیت بیشتری در قبال شهروندان خود از نظر حقوق بشر بین المللی بپذیرند، در حالی که در عین حال شهرها و شهروندان آنها با اقتباس از گفتمان جهانی حقوق بشر، به سمت آرزوهای جدید پیش می روند. (تو² و همکاران، 2018: 191-192).

از سوی دیگر نیز بسیاری از افراد دارای معلولیت، به ویژه افراد ناتوان جسمی در این دنیا زندگی می کنند. از طرفی شهرها برای افرادی ساخته شده است که بدنی قوی و سالم دارند (گیلز- کورتی³ و همکاران، 2019: 353). هر چند همه شهروندان شهرها از جمله معلولان حق برخورداری از فرصت های زندگی و کار در شهرها را دارند. اهمیت برابری شهروندی در این است که افراد دارای معلولیت مانند سایر افراد جامعه از امکانات موجود در فضاهای عمومی شهری برخوردار شوند. افراد دارای ناتوانی جسمی معمولاً به دلیل موانع فیزیکی، سیاست های ناعادلانه استفاده از زمین، ساختمان های غیراستاندارد و فضاهای عمومی در دسترس ناکافی قادر به تردد در شهرها نیستند. برخی از کشورهای پیشرفته جهان از دهه هشتاد به نیازهای افراد دارای معلولیتی که از جنگ ها بازگشته اند توجه کردند. این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا کرد که بعد اجتماعی مشکل گسترش یافت. این کشورها برنامه هایی را اجرا کردند که حرکت افراد ناتوان جسمی را در شهرها بدون مشکل تضمین می کرد. مسئولیت جدیدی نیز تحت عنوان «مسئول دسترسی» ایجاد شد که استانداردهای توسعه شهری را بر اساس توصیه های جامعه معلولان تهیه کرد. پایش سازگاری ساختمان های موجود با نیازهای معلولان جسمی حرکتی و دسترسی به فضاهای شهری در طرح های جدید انجام شد. استقرار افسر دسترسی تغییر عمده ای به سمت مناسب سازی فضاهای شهری برای استفاده معلولان و تامین حقوق آنها در فرآیند برنامه ریزی و توسعه شهری بوده است (مانلی⁴ و همکاران، 2020: 155-156). طرح های توسعه شهری در کشورهای پیشرفته اکنون الزامات مناسب سازی فضای شهری را با برنامه ریزی صحیح کاربری زمین شهری، استانداردهای ساختمانی و مقررات موجود اجرا می کنند (اوپچونکا⁵ و همکاران، 2017: 239). در مجموع، باید پذیرفت که نظام حمایتی مندرج در قوانین و مقررات کشور در خصوص معلولین همچون بسیاری از قوانین دیگر با خلأ ضمانت اجرایی و نظارت روبرو است و احقاق حقوق معلولین از فساد اقتصادی رسوخ کرده در نظام شهری و شهرسازی تأثیر گرفته است (گرچی و شیرزاد، 1397: 142). بنابراین بررسی عدم تطابق فضاهای عمومی شهری با نیازها و خواسته های افراد دارای معلولیت جسمی حائز اهمیت است. برنامه ریزی صحیح کاربری زمین برای ساخت فضاهای شهری کاربردی و رفع نیازهای معلولان در شهر بهترین راه برای خارج کردن معلولان جسمی از انزوا است. این امر از طریق ایجاد فضاهای شهری مناسب و قابل دسترسی امکان پذیر است. در ایران با وجود اینکه معلولان جسمی درصد قابل توجهی از جمعیت را تشکیل می دهند، این مشکل چندان مورد توجه قرار نگرفته است. این افراد از نظر احراز حقوق اجتماعی خود نسبت به سایر افراد کمتر هستند. بر اساس آنچه بیان شد هدف این تحقیق بررسی حقوق کودکان و معلولان در زندگی شهری می باشد. سوال تحقیق چنین مطرح می شود که حقوق کودکان و معلولان در زندگی شهری به چه صورت می باشد؟ و تلاش های جهانی و ایران برای رعایت حقوق شهری برای معلولان و کودکان به چه صورت مورد توجه قرار می گیرد؟

حقوق کودک و شهر

آنچه که مفهوم شهرهای حقوق کودک را جالب و امیدوارکننده می کند این است که نیازمند رویکردی جامع به زندگی کودکان است. کمیته حقوق کودک در نظر کلی خود در سال 2013 در مورد حق کودک برای استراحت، اوقات فراغت، بازی، فعالیت های تفریحی، زندگی فرهنگی و هنر (ماده 31)، بر ضرورت ایجاد محیط های شهری و روستایی که باعث رفاه کودک می شود. اشاره می کند که همکاری و پاسخگویی بین بخشی بین مقامات ملی، منطقه ای و شهری ضروری است. بخش های مربوطه نه تنها شامل بخش هایی می شوند که مستقیماً با کودکان سروکار دارند، مانند بهداشت،

² To
³ Giles-Corti
⁴ Manley
⁵ Obschonka



آموزش، خدمات اجتماعی، حفاظت از کودکان، فرهنگ، تفریح و ورزش، بلکه شامل بخش‌هایی می‌شوند که با آب و فاضلاب، مسکن، پارک‌ها، حمل‌ونقل، محیط‌زیست و برنامه‌ریزی شهری مرتبط هستند. همه اینها به طور قابل توجهی بر ایجاد محیط‌هایی تأثیر می‌گذارد که در آن کودکان می‌توانند حقوق خود را طبق ماده 31 تحقق بخشند. این یک چالش واقعی برای دولت‌های ملی و محلی است که عادت به کار در بخش‌های تعیین شده دارند (پنگ، 2020: 104-105). این در حالی است که به نظر می‌رسد بی‌توجهی به حقوق کودکان در زندگی شهری مانع از توسعه روابط اجتماعی آنها در مدارس و زندگی آتی آنها می‌شود.

معنای حقوق کودک در شهر

حال این سوال پیش می‌آید: منظور از حقوق کودک در شهر چیست؟ آیا این یک گفتمان قدرتمند بالقوه است که در دستان مایل می‌تواند جنبشی گسترده برای حقوق کودکان ایجاد کند که شامل بسیاری از ذینفعان از جمله خود کودکان می‌شود؟ جنبشی که می‌تواند خود را از طریق تغییرات سیاسی و زمان حفظ کند و ممکن است سیاست‌ها و اقداماتی را بر اساس و الهام گرفته از حقوق کودکان ایجاد کند؟ شاید، به مرور زمان، حتی «فرهنگ محلی حقوق کودکان»؟ از سوی دیگر، پیامدهای حقوقی حقوق کودک برای نهادهای دولتی در سطح شهرداری چیست؟ دیدگاه حقوقی در واقع این سوال را تغییر می‌دهد: ممکن است نه تنها در مورد آنچه که دولت‌های محلی می‌خواهند با حقوق کودکان انجام دهند، بلکه در مورد آنچه آنها باید انجام دهند نیز باشد.

کودکان به دلیل وضع سنی، جسمی و روحی ویژه، تفاوت‌های آشکاری با سایر شهروندان دارند همچنین نیازهای آنان خاص است. نیازهایی که در دین اسلام به آن توجه شده است اما شهرهای امروز به‌خصوص کلان‌شهرهایی مانند تهران بی‌توجه به نیاز کودکان طراحی و گسترش یافته‌اند. مطلوب نبودن طراحی شهری و به‌اعتقاد برخی از کارشناسان شهری، مردانه طراحی شدن آن در بسیاری از شهرهای جهان باعث شده است تا طرحی با عنوان شهر دوستدار کودک از طرف یونیسف مطرح و ایران نیز آن را بپذیرد (توکلیان و سینایی، 1397: 169).

شهر دوستدار کودک

شهر دوستدار کودک، شهری است که در آن خواسته‌های کودک در اولویت قرار می‌گیرد، وضع اجتماعی، فرهنگی و معماری شهر همسو با نیازهای آنان است و حقوق کودکان در سیاست‌ها، قوانین، برنامه‌ها و بودجه منعکس می‌شود. حالا بعد از گذشت 20 سال از آغاز این طرح و با توجه به پیوستن تهران به شهرهای دوستدار کودک سال 89، شورای عالی استان‌ها ایجاد تغییرات در شهر را پیش‌بینی و آن را به شورای اسلامی شهر تهران ابلاغ ارسال کرد. شورا نیز با در نظر گرفتن خصوصیت‌های تهران موارد منطبق با این طرح را در دستور کار مدیران شهری قرار داد و برای آن از بودجه شهرداری ردیفی در نظر گرفت (عزتیان، 1396: 40).

یونیسف همکاری با مقامات محلی و شهرداری‌ها را در کشورهای مختلف تقویت کرده و برای اطمینان پیشرفت کار از سازمان‌های غیردولتی در این زمینه کمک می‌گیرد، تا رویکرد CFC از راه‌های مختلف در کشورها گسترش پیدا کند و خارج از چارچوب اهداف از پیش تعریف‌شده این طرح که منطبق بر کنوانسیون حقوق کودک است حرکت نکند. یونیسف شاخص‌هایی را برای اجرای این طرح مطرح کرده است که بر طبق آن تامین حقوق کودکان در محوریت قرار دارد. شهر دوستدار کودک مبتنی بر یک حاکمیت محلی است، پارک‌های موضوعی دارد و به کودکان اجازه می‌دهد آزادانه به بیان عقاید خود بپردازند و تصمیم‌گیری بر عهده کودک است. مراقبت‌های بهداشتی کودکان، مسئله دیگری است که در این طرح مورد حمایت قرار گرفته است به این صورت که دولت‌ها باید امکانات بهداشتی از قبیل آب سالم و سرپناه مناسب برای زندگی کودکان را فراهم کنند. محافظت کودکان از خشونت و سوءاستفاده از دیگر ویژگی‌های این طرح به‌شمار می‌آید، به علاوه اینکه به کودکان برای دیدار و بازی با دوستانشان اجازه داده شود و آنها در رویدادهای فرهنگی و اجتماعی شهر مشارکت داشته باشند (کربلایی، 1397: 58-59).

آلودگی‌های محیطی و فقدان امنیت و ایمنی لازم از جمله مشکلات پیش روی کودکان در شهرها و به‌ویژه کلانشهرهای بزرگ نظیر شهر تهران است. برای واژه کودک تعریف خاص و مشخصی تعیین نشده است. البته در قانون اساسی ما به عنوان قانون مادر، هیچ ماده‌ای مشخصاً در مورد کودکان وجود ندارد و درخصوص حقوقی همچون حق حیات، مسکن، کار و... از عبارت «هر فرد» استفاده می‌شود. همچنین مصداقی تحت عنوان «حقوق کودک» در قانون اساسی

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان‌شهرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۲ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



آورده نشده است. بنابراین حقوق کودک را باید از قوانین و مقررات مرتبطی که در این باره تصویب شده است مانند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب 1381، قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست و بدسرپرست مصوب 92 استنباط و دریافت کرد (صابری و همکاران، 1398: 55). آنچه می تواند مورد توجه قرار گیرد، این موضوع است که حقوق شهری کودکان به عنوان یکی از اصول لازم الاجرا است که به نظر می رسد در کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته توجه چندانی به آن نشده است.

قوانین حقوقی مصوب کودکان در شهرها

اوایل اسفند ماه 1372، مجلس شورای اسلامی اجازه ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد. برابر بند 1 ماده 31 این عهدنامه «حکومت ها حق کودک را برای داشتن بازی، سرگرمی، وقت آسایش و استراحت به رسمیت می شناسند. کودک می تواند به طور فعال و آزادانه در امور فرهنگی و هنری در خور سنی خود، شرکت کند.» همچنین در بند 2 این ماده آمده است: «حکومت ها به حق کودک برای فعالیت های هنری و فرهنگی توجه دارند و با اقدام های خود، آن را پشتیبانی می کنند و امکانات مناسب را برای انجام فعالیت های فرهنگی- هنری و همچنین اوقات فراغت و سرگرمی کودک فراهم می کنند.»

در سال 1379 شورای عالی استان ها به موجب ماده واحده ای به شورای اسلامی شهرها پیشنهاد کرد که شهرداری ها را در زمینه تحقق شهر دوستدار کودک را به انجام اقدامات لازمی موظف کنند. در این پیشنهاد عنوان شد که این طرح در بخش شهرسازی و معماری با پیگیری، تدوین و تصویب قوانین لازم از سوی دستگاه های مختلف برای تامین فضای مناسب بازی کودکان در مجتمع های مسکونی نوساز یا در حال ساخت دنبال شود.

همچنین تنظیم قوانین رعایت استانداردهای کاهش خطر و حوادث در مجتمع های مسکونی، طراحی خیابان ها، پیاده روها و پل ها به نحوی که برای عبور کودکان و وسایل حمل و نقل کودک مناسب باشد پیش بینی شده است.

در سال 1386 دولت جمهوری اسلامی ایران تعهدی را به صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) داد و شهر تهران نیز به طرح شهرهای دوستدار کودک ملحق شد. برابر این الحاق شهرداری تهران برای هدایت پروژه شهر دوستدار کودک در شهرهای خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان دبیرخانه پذیرش مسئولیت کرد. البته این برنامه با کمی تاخیر در سال 1388 به تصویب شورای اسلامی شهر تهران رسید و تهران فعالیت های خود در راستای محقق شدن «شهر دوستدار کودک» را آغاز کرد. از جمله مواردی که در این مصوبه مورد توجه قرار گرفته، استانداردسازی مبلمان شهری به ویژه وسایل خاص کودکان (ورزش، تفریح و بازی و...) است.

سپس در سال 1389 طرح شهر دوستدار کودک در شورای عالی استان ها به تصویب رسید در این مصوبه با توجه به تأکیدهای دینی، اهمیت حقوق کودکان در دین اسلام و با استناد به وظایف قانونی شورای اسلامی شهر به خصوص ماده 71 قانون تشکیلات، شورای عالی استان ها به شوراهای اسلامی شهرها پیشنهاد کرد تا شهرداری ها را در زمینه تحقق شهر دوستدار کودک موظف به انجام اقدامات لازم با لحاظ شرایط مقرر در مصوبه کنند.

در تبصره چهارم مصوبه نیز «شهرداری تهران موظف شده است اعتبارات مورد نیاز برای حسن اجرای این مصوبه را در ردیف های مربوط در بودجه سنواتی شهرداری پیش بینی و لحاظ کند.» (عباس آبادی و همکاران، 1397: 114-116).

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در جلسه مورخ 1400/05/04 پیشنهاد دبیرخانه شورای عالی با عنوان «الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک»، را در پاسخ به مطالبات جمعی از فعالان حقوق کودک، متخصصان و سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، مبنی بر فقدان سیاست ها و مجموعه ضوابط اجرایی موثر، کمبود سطوح عملکردی متضمن تأمین نیازهای کودکان در بناها و فضاهای شهری؛ بررسی و ضمن تأکید بر ملاحظات به شرح زیر مورد تصویب قرار داد. ۱- این مصوبه بر اهمیت توجه به نیازهای روانی و جسمانی کودکان و تسهیل دسترسی به امکانات محیطی مربوطه در شهرها، روستاها، شهرک ها و مجتمع های زیستی متعدد در کشور و تضمین تحقق شهر دوستدار کودک، تأکید دارد و در این رابطه حقوق کودکان در برخورداری از فضاهای شهری امن، ایمن و محیط های

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخشسی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۴۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۴۱۳۷۲۵۲۵۰۶ - داخلی ۳۳۶ و ۳۳۳



شاد برای بازی و پرورش خلاقیت را به رسمیت می شناسد. ۲- مجموعه «الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک» به عنوان ملاحظات تحقق شهر دوستدار کودک برای تمامی مراجع تهیه، تصویب و نظارت بر طرحهای توسعه و عمران، دستگاه های اجرایی و شهرداری ها و دهیاری ها کاربرد دارد و لازم الاجراست. ۳- لازم است در زمان تنظیم شرح خدمات، تهیه یا بازنگری طرحهای توسعه و عمران، الزامات و ضوابط عام مذکور در نوع فعالیت ها از جمله «زمین بازی کودکان» ذیل انواع کاربریهای شهری؛ رعایت شده و در سطح، سرانه و کیفیت کاربری ها از جمله فضای سبز و فضاهای عمومی شهری، ملاحظه شود. ۴- به منظور انطباق شرح خدمات و اسناد طرحهای توسعه و عمران با ملاحظات شهر دوستدار کودک و ارزیابی تاثیر پروژه های عمرانی بر کیفیت زندگی کودکان، وفق سند پیوست، لازم است با مشارکت انجمن ها و نهاد های مردمی فعال در امور کودک اقدام شده و نظرات آنها در محتوای طرح ها لحاظ شود. ۵- دبیرخانه شورای عالی با همکاری سازمان شهرداریها و دهیاری های کشور و بهره برداری از ظرفیت های موجود، نتایج پایش، ارزیابی و ارائه راهکارها را به استناد این مصوبه به مراجع مربوطه اعلام و پیگیری های لازم را صورت دهند. ۶- دبیرخانه شورای عالی بنا بر ایجاد ساز و کار های بومی سازی ضوابط با توجه به ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی، نتیجه پایش و ارزیابی میزان تحقق اهداف و ملاحظات این مصوبه را هر سالانه، به شورای عالی گزارش نماید. ۷- مجموعه «الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک» در پیوست این مصوبه بر اساس نتایج پایش مذکور در بند فوق ظرف مدت یک سال از تاریخ اعلام مصوبه قابل بازنگری است و در صورت نیاز در مقاطع زمانی ۳ ساله مورد تجدید نظر، تکمیل و اصلاح قرار خواهد گرفت (مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران پیرامون الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک، ۱۴۰۰).

تلاش های جهانی و ایران برای رعایت حقوق شهری برای معلولان

در دنیا سابقه این تلاش در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی تا حد زیادی مرهون نتایج جنگ های جهانی است. پس از تلفات انسانی سنگین در جنگ های جهانی، افراد ناتوان در شهرهای صنعتی با مشکلات فراوان در ساختمان ها و شهرها زندگی می کردند (اوپسچونگا و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۴۳). به همین دلیل، تقاضا برای سیاست های کاربری مناسب شهری و مسکن مناسب برای افراد معلول افزایش یافته بود. همچنین ساخت و ساز بهینه شهرهای آینده بر اساس نیاز معلولان افزایش یافت. جنبش های متعددی برای بیان مطالبات معلولان وجود داشت. در نهایت، سیاستمداران و برنامه ریزان شهری به این نتیجه رسیدند که نمایندگان معلولان باید نقش جدی در فرآیند برنامه ریزی شهری و مدیریت داشته باشند. بحث های نظری زیادی نیز برای ایجاد زمینه فرهنگی برای مشارکت معلولان در توسعه شهرها انجام شد. اولین مجلات بین المللی که در آن زمان در انگلستان و ایالات متحده این بحث را منتشر می کردند، برنامه ریزی شهری نامیده می شدند. این بحث ها همچنان ادامه دارد. موضوع اساسی در ساخت شهرهای پایدار، تاب آور، انسانی و معلول محور، سیاست های عاقلانه کاربری زمین شهری است. بر اساس سیاست کاربری اراضی، توسعه بهینه شهری اجرا خواهد شد. سپس، بحث در مورد مسکن و ساختمان های شهر ادامه دارد، یعنی فرانتس در تحقیقی با عنوان "مسکن برای افراد دارای معلولیت" بر ارائه خدمات تخصصی و حرفه ای به افراد دارای معلولیت در سراسر استرالیا متمرکز شده است (هالگرمسدوتیر^۶ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۰۳).

به عنوان مثال دیگری، کارمونا در کتاب خود توضیح داد که چگونه بریتانیا تلاش کرده است تا از طریق طراحی فضاهای شهری، دسترسی های پویا را برای همه مردم ایجاد کند. جهان صورت گرفته است. به عنوان مثال، ساندرسون و همکاران بیان کردند که تلاش هایی در مکزیک و هند انجام شده است. آنها همچنین تلاش های کانادا برای دسترسی به افراد دارای معلولیت در تمام مناطق شهری را بررسی کردند. او در پایان نامه خود با عنوان "ارزیابی برنامه ریزی برای دسترسی افراد دارای معلولیت در مراکز میانی کانادا" تلاش های انجام شده برای افراد دارای معلولیت را تشریح کرد. ساندرسون ابزارهای برنامه ریزی و استراتژی هایی را که در کانادا برای بهبود دسترسی افراد دارای معلولیت به فضاهای شهری ایجاد شده است، تعریف کرد. شرودر همچنین در مقاله خود در مورد زندگی با معلولیت در شهرهای

⁶ Hallgrimsdottir



ژاپن به طرح هایی در ژاپن برای دسترسی معلولان به فضاهای شهری پرداخت. ژاپنی ها قصد داشتند شهرهایی بسازند که در آن افراد دارای معلولیت ذهنی و جسمی و افراد عادی در کنار یکدیگر زندگی کنند (یونگ⁷، 2016: 78).

هالگرمسدوتیر و همکاران (2016) فهرستی از مناسب ترین شهرها برای زندگی معلولان و فعالیت های اجتماعی را معرفی کرد. وی در این میان 22 شهر را برشمرد که بهترین برنامه ها را برای برنامه ریزی و طراحی شهرها بر اساس نیاز افراد دارای معلولیت اجرا کرده اند. برای مثال شهرهای نیویورک، وینستون، اورلاندو و شیکاگو در آمریکا بهترین محیط را برای معلولان داشتند. شهرها همچنین دارای سیستم حمل و نقل مدرن و مناسب برای همه مردم بودند. بیرمنگام در انگلستان به دلیل محبوبیت منابع برای نگهداری معلولان در این لیست قرار دارد. برلین به دلیل سیاست های جامع معلولان و سطح بالای سرمایه گذاری روی افراد معلول و سایر افراد در این لیست قرار داشت. بندر نانت در فرانسه در امتداد ساحل رودخانه لورن که شهر را به خوبی برای افراد دارای معلولیت طراحی کرده بود نیز شهری ایده آل برای معلولان بود. همچنین لازم به ذکر است که استکهلم شهری زیبا در سوئد بود که 30 درصد آن در آب قرار داشت و با شبکه ای از پل ها و خطوط شهری ایده آل برای معلولان بود.

در ایران، سابقه تلاش شهرهای ایران عمدتاً به نتایج فاجعه بار جنگ ایران و عراق برمی گردد. در نتیجه آن جنگ تعداد قابل توجهی از افراد دارای معلولیت از زندگی و فعالیت خود کنار گذاشته شدند. از آن زمان، برنامه ریزان شهری، معماران، مهندسان و تصمیم گیران در مورد دسترسی بهتر معلولان به فضاها و خدمات شهری صحبت کردند. دفتر فنی وزارت کشور نیز آثاری از جمله «تحلیل شهرسازی و معماری معلولان» ارائه کرده است. در سال 1379 بند ج ماده 193 قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به تصویب مجلس رسید. پس از تصویب این طرح، لایحه آئین نامه اجرایی آن با همکاری سازمان بهزیستی و وزارت مسکن و شهرسازی تدوین شد که در تاریخ 12/10/1378 به تصویب هیأت وزیران رسید. بند ج این قانون دسترسی عمومی به خدمات، فرصت های برابر برای افراد دارای معلولیت و مشارکت فعال آن ها در اطلاع رسانی جامعه را ترویج می کند. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن و دانشگاه تهران نیز به این تلاش ها کمک کردند. با این حال، به دلیل شکنندگی تلاش ها و نبود برنامه ریزی عادلانه کاربری اراضی شهری و نمایندگان متخصص جامعه معلولان، اقدامات انجام شده نتایج قابل توجهی را به همراه نداشته است. به همین دلیل است که افراد دارای معلولیت در شهرهای ایران زندگی سختی دارند (آذری و شیرزاد، 1396: 127-128).

جایگاه معلولان در قوانین اساسی و بین المللی

زمینه سازی برای دسترسی افراد دارای معلولیت به مواهب و فرصت های اجتماعی همواره در اولویت برنامه های مربوط به احقاق حقوق معلولین قرار داشته است. حمایت از حقوق انسانی وظیفه همه دولت ها در همه جوامع و برای همه شهروندان به شمار می رود. از این رو، شعار «یک جامعه برای همه» جزو برنامه های مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته است. اگرچه، کمبود آگاهی های عمومی و نگرش منفی به پدیده معلولیت در سطح جامعه، هنوز هم از عمده ترین معضلات و موانع در دستیابی به حقوق انسانی این قشر محروم در همه جوامع به شمار می آید (قاسمزاده، 1389: 314).

الف: حقوق معلولان در قانون اساسی

تبلور حقوق اساسی مردم در قانون اساسی، پیش درآمدی برای حضور آزادانه، آگاهانه و مؤثر آنان در اداره کشور محسوب می شود. متأسفانه، در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وضعیت معلولین به عنوان طیفی خاص از شهروندان جامعه مورد شناسایی دوژوره قرار نگرفته و، به تبع، به حقوق ویژه وضعیت آنان نیز اشاره صریحی نشده است، تنها از خلال اصول کلی مندرج در این قانون می توان رهیافت های حمایتی قانونگذار را شامل حال این قشر از افراد نیز کرد. این خلأ، یکی از کاستی های مهم قانون اساسی به شمار می رود. در مقدمه قانون اساسی، به آزادی و کرامت انبای بشر به مثابه سرلوحه اهداف قانون اساسی توجه شده و کرامت انسانی جزو مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است. توجه به کرامت انسان ها از نظر امکان فعالیت های اجتماعی در اصل سوم نیز قابل تأمل است. همچنین، در اصل نوزدهم سخن از اصل اساسی منع تبعیض است و همگان بهره مند از حقوق مساوی دانسته شده اند.

⁷ Young



بر اساس اصل بیستم، همه افراد ملت، یکسان اند و در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. به موجب اصل بیست و نهم، برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی، مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و... حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یکیک افراد کشور تأمین کند. آنچه نوشتیم، نگاهی کوتاه به بُعد نظری قانون اساسی بود. همچنان که می دانیم قانون اساسی ضامن عینیت بخشیدن به آزادی و کرامت انبای بشر است. بنابراین، بر عهده همگان و خصوصاً قانونگذار است که با پایبندی به این اصل و لوازم و آثار آن زمینه را برای تحقق عدالت و آزادی و برابری و پیشرفت فرد و جامعه فراهم آورد (حبیب زاده و رحیمی نژاد، 1386: 54-55).

ب: حقوق معلولان در سیر حقوق بین الملل

تحلیل شرایط و وضعیت خاص جسمانی و روحی به معلولان و ناتوانان سبب شده است این قشر تبدیل به اقلیتی شایسته توجه و محق در اعمال تبعیض مثبت شده و تلاش های متعددی به طور عام و خاص در سطوح مختلف جهت احقاق حقوق و آزادی های مورد نظر صورت گیرد. از یکسو، حقوق و آزادی ها و حمایت هایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR, 1948)، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR, 1966)، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR, 1966) و بسیاری از اسناد عام حقوق بشری آمده، در پرتو اصولی - چون کرامت انسانی، برابری و عدم تبعیض - شامل معلولان نیز می شود. از سوی دیگر، در پرتو اسناد خاصی - چون «اعلامیه مربوط به حقوق معلولان» (Declaration, 1975) مصوب 9 دسامبر 1975 مجمع عمومی طی قطعنامه شماره 3447، قطعنامه شماره 1921 شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد درباره پیشگیری از ناتوانی و توان بخشی معلولان مورخ 6 می 1975 و اعلامیه حقوق عقب ماندگان روانی و ذهنی مصوب 20 دسامبر 1971 مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره 2856 - نیز تلاش شده است از حقوق معلولان به طور ویژه حمایت شود. همچنین، در ادامه تلاش های مراجع بین المللی برای حمایت بیشتر از حقوق معلولان و ایجاد شرایط مناسب برای بهره مندی آنان از حقوق و آزادی های اساسی، «قواعد استاندارد درباره برابری فرصت ها برای معلولان» طی قطعنامه شماره 48/96 در 20 دسامبر 1993 به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است (بارلت، 2004: 135).

در کنار این ها، اسناد مهم دیگری از حقوق بشر وجود دارد که ضمن شناسایی و حمایت از حقوق گروهی یا کلیه افراد انسانی، حقوق افراد دارای معلولیت را نیز مشخصاً مورد تأکید قرار داده اند. کنوانسیون حقوق کودک مصوب 1989 م طی مواد 23 و 39 خود، به وضعیت کودکان دارای معلولیت توجه خاص داشته است. این کنوانسیون در بند یک ماده 23 آورده است: «کشورهای طرف کنوانسیون اذعان دارند کودکی که از نظر ذهنی یا جسمی دچار نقص است باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکای به نفس بوده و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل کند، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار شود». این کنوانسیون در ماده دوم خود به اصل منع تبعیض علیه کودکان معلول اشاره کرده است و اعلام می کند: «حکومت های عضو این پیمان، برای هر کودکی که در قلمرو آن ها است، بدون تبعیض و یا فرقی گذاری و به دور از هرگونه وابستگی به ... معلولیت ... و هر موقعیت دیگری که کودک در آن است، اجرای حقوق مندرج در این پیمان نامه را تضمین می کنند». همچنین، کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی کپنهاگ که با حضور سران دولت ها در مارس 1995 م در کشور دانمارک برگزار شد، در اعلامیه پایانی خود آورده است: «معلولان یکی از بزرگترین اقلیت ها، یعنی یک دهم جمعیت جهان را تشکیل می دهند. اینان در اکثر موارد از روی ناچاری به فقر، بیکاری و انزوای اجتماعی تن در داده اند... ما، در تعالی بخشیدن و نیل به اهداف جهانی دسترسی عادلانه به تعلیم و تربیت مترقی، دستیابی به بالاترین سطح سلامت جسمی و روانی، دسترسی همگان به مراقبت های بهداشتی و اولیه، به کارگیری تلاش های خاص در راه اصلاح نابرابرهای مربوط به شرایط اجتماعی، بدون هرگونه توجه به تفاوت های نژادی، ملیت، جنسیت، سن و سال و یا معلولیت، احترام و ارتقای فرهنگ مشترک و فرهنگ های خاص خود، تلاش در تقویت نقش فرهنگ در توسعه، حفظ مبانی اساسی توسعه مستمر مردمگرا و کمک به گسترش کامل منابع انسانی و توسعه اجتماعی خود را متعهد می دانیم». اعلامیه کنفرانس جهانی زن (پکن 1995) هم در بند 32 این اعلامیه تصریح می کند که دولت ها باید بر تلاش هایی که جهت تضمین برخورداری برابر عموم زنان و دختران از جمیع حقوق بشر و آزادی های بنیادین و حذف موانع چندگانه ای که در راه توانمندسازی و پیشرفت آنان به دلیل عواملی چون ... یا معلولیت ... وجود دارد، بیفزایند. مجمع عمومی در گامی دیگر در 16 دسامبر 1976، سال 1981 را «سال بین المللی معلولان»



نام نهاد. سال بین‌المللی معلولان برنامه‌های متعددی برای افراد معلول به همراه داشت؛ اما مهم‌ترین ره‌آورد آن، زمینه‌سازی تصویب برنامه جهانی اقدام برای معلولان در سال بعد بود. در سوم دسامبر 1982، مجمع عمومی گام مهمی در جهت تحقق اهداف سال بین‌المللی معلولان از رهگذر برنامه جهانی اقدام برای معلولان برداشت. این برنامه اصل برابری فرصت‌ها را به یک موضوع جهانی مبدل ساخت. اصل مذکور این فرصت را به همه اقشار جامعه می‌دهد که به یک میزان از امکانات زندگی (رفاهی، شغلی، تحصیلی و...) برخوردار باشند. برنامه عمل جهانی 1982 اگرچه سند الزام‌آوری تلقی نمی‌شود، امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ارائه راهکارهای مناسب در سه حوزه پیشگیری از معلولیت توان‌بخشی و برابری فرصت‌ها محسوب می‌شود (گرگی و شیرزاد، 1397: 58-59).

سیر قانون‌گذاری شهری در زمینه مناسب‌سازی محیط برای معلولان

نخستین گام در راستای نظام‌مندسازی حوزه شهری در ایران مسبوق به تصویب قانون شهرسازی به سال ۱۳۳۴ ش و نزد کمیسیون مشترک مجلسین شورا و سنا است. پس‌از آن، قانون تأسیس وزارت آبادانی و مسکن در ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ به تصویب رسید که در آن از تهیه و اجرای طرح‌های شهرسازی سخن به میان آمد. سرانجام «قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران» در سال ۱۳۵۱ به تصویب رسید که تصمیم‌گیری در زمینه مقررات شهرسازی را از محدوده وظایف و اختیارات یک وزارت خانه خارج کرد و در صلاحیت شورایی از وزیران هشت وزارتخانه قرار داد. اهداف اصلی این قانون در ماده یک آن آمده است. این قانون ترتیباتی در زمینه ساخت‌وساز، حفاظت از فضای سبز شهرها و گسترش آن، فضاهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی و مانند آن‌ها و میزان تراکم و ارتفاع ساختمان‌ها و خطوط عقب‌نشینی در کوچه‌ها و خیابان‌ها و کاربری زمین‌ها برقرار کرده است. تدوین طرح جامع برای شهرها و سپس طرح‌های تفصیلی از مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری است. مصوبات این شورا به‌موجب ماده ۷ این قانون، برای شهرداری‌ها در زمینه مقررات شهرسازی و طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها لازم‌الاجرا است. به دیگر سخن و همچنان‌که پیش‌تر بدان اشاره رفت، شورای عالی شهرسازی و معماری در وضع و تصویب این مقررات در قامت قانون‌گذار جلوه‌گر شده است. البته روند قانون‌گذاری در حوزه شهری و مرتبط با حقوق معلولین و افراد ناتوان محدود به قوانین معدود مذکور نشد. با گذشت زمان و به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی هشت‌ساله، ضرورت پرداختن به مسائل معلولین و جانبازان نمود عینی‌تری یافت. از نمونه این توجهات می‌توان «دستورالعمل و ضوابط مناسب‌سازی برای معلولین جسمی و حرکتی» مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی را در سال 1378 نام برد که تا به حال نیز ملاک عمل مناسب‌سازی در سراسر کشور بوده است. این ضوابط همگام با قانون جامع حمایت از معلولان و آیین‌نامه‌های اجرایی آن به‌عنوان سند زیرینی برای مناسب کردن فضای شهری و معماری مدنظر قرار گرفته است (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، 1386: 59-60).

پیش از بررسی مقررات و ضوابط مناسب‌سازی محیط شهری مخصوص معلولین، لازم است ابتدا تعریف مناسب و دقیقی از اصطلاح «مناسب‌سازی» به دست دهیم. منظور از مناسب‌سازی عبارت است از «اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل‌ونقل است به‌طوری‌که افراد معلول قادر باشند تا آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و ساختمان‌های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند». هدف از مناسب‌سازی محیط شهری دستیابی معلولین در جهت رسیدن به استقلال نسبی و به عبارتی تساوی فرصت‌ها، عدالت اجتماعی و پیوستن تمامی افراد معلول به جامعه و ایجاد اجتماعی بدون مانع است. متأسفانه به‌رغم توجه مستمر و تصویب ضوابط و مقررات پیشرو در زمینه رعایت وضعیت و حقوق معلولین در شهر و تأکید مداوم بر اجرای مقررات از سوی نهادهای ذی‌مدخل و ذی‌صلاح در امر صدور مجوزهای ساخت‌وساز یا مجری طرح‌های عمومی و دولتی در سطح شهر همچنان شاهد بی‌توجهی‌های مستمر و عمده نسبت به این مقررات در فرایند اداره شهر و گسترش ساختمان‌های فاقد استانداردهای لازم در جهت رعایت غبطه معلولین هستیم. به نظر می‌رسد فقدان مرجع مستقل ملی جهت نظارت بر اجرای مقررات مذکور، بی‌توجهی دستگاه‌های فرهنگی به موضوع مناسب‌سازی و فرهنگ‌سازی در جامعه، فقدان برنامه‌ریزی منسجم و صحیح و قابل‌اجرا برای کلیه دست‌اندرکاران و آشنفگی‌های موجود در نظام‌های مدیریتی شهری ناشی از عدم تسلط بر اصول مدیریت شهر و عدم احاطه بر مسائل و دانش روز در بین دستگاه‌های دولتی، ناآشنایی مهندسان و مشاوران و عوامل ساخت‌وساز فیزیکی جامعه و کم‌توجهی سازمان نظام مهندسی به موضوع و عدم آگاهی و آشنایی کامل جامعه هدف نسبت به این بخش از حقوق شهروندی خود از مهم‌ترین دلایل این بحث باشد (گرگی و شیرزاد، 1397: 47-48).



حقوق سلامت کودکان

همه‌ی کودکان، حق بهره‌گیری از امکانات و خدمات سلامت و حفاظت در برابر خشونت روحی و روانی، صدمات و سوءاستفاده را دارند. کنوانسیون حقوق کودک اولین سند بین‌المللی است که هم‌زمان حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را مورد توجه قرار داده است. حق سلامت کودکان در ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک آمده است. ماده دربردارنده حق قانونی استفاده از خدمات برای پیشگیری، درمان بیماری‌ها و شرایط ضروری برای تضمین حداقل‌های بقا است. مقررات اولیه شامل بهره‌مندی تمام کودکان از آب آشامیدنی سالم و غذای مقوی، تسهیلات بهداشتی و سلامت است. با تأکید بر مراقبت بهداشتی، چندین اولویت در نظر گرفته شد؛ از جمله وضع مقررات برای کمک‌های پزشکی و مراقبت سلامت برای همه کودکان. کنوانسیون در این ماده به حق بر سلامت پرداخته و صریحاً بیان می‌کند که حق دسترسی به خدمات سلامت و اقدامات ویژه برای کاهش مرگ کودکان، خدمات سلامت پیشگیرانه و همکاری بین‌المللی برای کمک به کشورهای در حال توسعه برای تحقق چنین حقی ضروری است. این ماده به خوبی تعهدات دولت‌ها را در این مسیر روشن می‌سازد و بهترین ماده در حقوق بین‌الملل در حق بر مراقبت‌های سلامت است. با این ماده حق کودکان بر سلامت در حقوق بین‌الملل تثبیت شد اما این پایان مسیر نیست. تفسیر عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ۱۵ کمیته حقوق کودک به سازکارهای اجرایی این حق پرداختند که در قسمت‌های بعدی به شرح آن خواهیم پرداخت. علاوه بر به رسمیت شناختن حق سلامت کودک و حفاظت از او در برابر مخاطرات احتمالی، قوانین ایران حق کودکان آسیب‌پذیر را به حمایت‌های ویژه محترم شمرده است. در راستای حفاظت کودکان ایرانی از مخاطرات و سوءاستفاده‌های احتمالی، قوانین مختلف بازدارنده و تنبیهی تدوین شده است. این قوانین در بسیاری از مواقع، مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری است؛ اما همه‌ی آن‌ها، به‌درستی و کامل، اجرا نشده‌اند. برای ارتقای سلامت کودکان ایرانی، باید نقاط ضعف اجرای این قوانین، شناسایی و رفع شوند (کوکبی، ۱۴۰۰: ۱۴۰۹).

بحث و نتیجه‌گیری

حقوق کودکان با تصویب قوانین حقوق کودک و محور قرار گرفتن حقوق شهروندی آنان از دهه ۱۹۸۰ مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گرفته است. مشارکت در فرایند طراحی فضاهای شهری به کودکان اجازه می‌دهد در ایجاد فضاهای زندگی خود سهم باشند و محیط پیرامونشان را متناسب با ایده‌ها و نظرهای خود بسازند. از آنجایی که کودکان ویژگی‌های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاهشان در جامعه تعریف می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد برای برنامه‌ریزی فرایند حقوق کودکان، اکتفا به مبانی نظری و اصول تئوری پشتیبان کافی نیست. ضروری است با بهره‌گیری از راهکارهای اجرایی تجارب در جوامع مختلف، عوامل مؤثر در موفقیت یا شکست مشارکت همکارانه کودکان را شناسایی کرد و برای تحقق یک پروژه شهرسازی مشارکتی کودکان در فرایند طراحی فضاهای شهری ایران به کار برد.

در فضای جمعی، دامنه‌ی بازی کودک چه در واحد مسکونی و چه در جمع محله و ناحیه و شهر محدود، گاهی دور از دسترس و زمانی با نقص‌های جدی روبرو است. به‌طور مثال حق رفت و آمد کودکان نیز با توجه به شرایط شهرسازی تهران و تردد رفت و آمدی سوارمروها اضافه می‌شود، محدود گردیده است. در شهر، زمینه‌های مناسب و معیارهای قانونمندی که یک زندگی راحت و خالی از دغدغه‌های خاوری که حق طبیعی، اجتماعی و شهروندی کودکان در آن رعایت شده باشد، با ضعف روبرو است.

به‌طور معمول در برنامه‌ی شهری، علی‌رغم توجهات انسانی و اجتماعی یا اقتصادی و طبیعی برای شهر و آینده‌ی آن، به عوامل ساختار بخش جامعه‌ی شهری که یکی از آن‌ها کودکان می‌باشند، توجه چندانی نمی‌شود. از همین روی، شهرها



بیشتر برای بزرگسالان ساخته و پرداخته می‌شود. اتوموبیل، شغل، درآمد، تفریح، مسکن و خدمات مورد انتظار شهروندان، توجه ویژه‌ی خود را جز برای کودکان، به‌طور عمومی برای تمام اقشار متمرکز می‌سازد.

از سوی دیگر نیز در سال‌های گذشته که معلولان کمتر در عرصه اجتماعی حاضر می‌شدند، نیازهای آن‌ها نیز محدود بود. اما در حال حاضر، تعداد زیادی از این افراد، تحصیلات بالایی داشته و در عرصه عمومی نیز حضور فعالی دارند. مدیریت شهری باید در راستای آرامش و امنیت و رفاه معلولین جسمی و حرکتی محل‌هایی را تعبیه کند که رفت‌وآمد معلولین با مانعی روبرو نگردد. این امر نیازمند نوعی برنامه‌ریزی نوآورانه و خلاق در زمینه مسائل شهری است. اساساً توسعه هر کشور، در گرو استفاده حداکثری از نیروی انسانی، قابلیت‌ها و استعدادهای تک‌تک افراد جامعه است. کشورهای در حال توسعه بیش از دوسوم معلولان را در بر می‌گیرد، ایران نیز جزء همین دسته از کشورها به شمار می‌رود. فعالیت هر فرد در راستای توسعه کشور، نیازمند حضور او در عرصه‌های مختلف جامعه است. فرد معلول باید امکاناتی داشته باشد تا انگیزه او را برای فعالیت در جامعه تقویت نماید. این امکانات می‌تواند امکانات شهری را در بر گیرد، یا حمایت‌های روحی و ذهنی را شامل شود. باید شکاف میان معلولین و پیشرفت، روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر شود تا بتوان از قابلیت آن‌ها در ارتقای کشور استفاده کرد و از سوی دیگر، حقوق آن‌ها را به‌عنوان یک شهروند تأمین نمود. به نظر می‌رسد شایسته‌تر باشد اگر با تغییر دیدگاه‌های حاکم بر مدیریت شهری و اصلاح نگرش نسبت به معلولین، به‌جای طراحی پارک ویژه یا منطقه مسکونی یا سرویس بهداشتی مخصوص معلولین، از ابتدا شهری را طراحی کنیم که همه اقشار - اعم از معلول، ناتوان، سالخورده و سالم - در کنار هم بتوانند، عادلانه و منصفانه، از امکانات موجود در میلمان شهری استفاده کنند و امکان دسترسی به تمامی تسهیلات و تجهیزات شهری را داشته باشند؛ تا از این رهگذر فرصت‌های برابر با سایرین را جهت بروز و ظهور استعدادها، توانایی‌ها و نیل به آرزوهای خود بیابند. مسلماً در پیش گرفتن چنین رویکردی در فرایندی نتیجه‌گرا به نفع جامعه و اداره بهتر و شایسته‌تر آن خواهد بود. این امر محقق نخواهد شد، مگر با تصویب قوانین و مقررات عادلانه و حمایت‌گرانه مسبوق به برنامه‌ریزی‌ها و مطالعات دقیق و علمی و توجه آگاهانه به نیازها، خواسته‌ها و از همه مهم‌تر، توجه به کرامت انسانی طیف معلول یا ناتوان جامعه.

منابع

1. توکلیان، فائزه و سینایی، نسترن. (1397). بررسی تطبیقی حقوق کودکان در شهرسازی ایران و جهان. فصلنامه علوم و شهرسازی، دوره 3، شماره 8، 62-78.
2. حبیب زاده، محمدجعفر و رحیمی نژاد، اسمعیل. (1386). کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مدرس علوم انسانی. سال 11، شماره 4، 51-82.
3. صابری حمید. طهماسبی زاده فرشاد. عمار، شهیر. (1398). پنجمین همایش شهرسازی و حقوق شهری.
4. عباس آبادی، سعدا. غفاری، هدی. کشاورز، مونس. (1397). حقوق شهروندی کودکان. تهران: نشر سرای قلم.
5. عزتیان، شهره. (1396). عوامل و موانع مشارکت کودکان در تشکیل فضای شهری. فصلنامه منظر، دوره 9، شماره 39.
6. قاسم زاده، رویا. (1389). دسترسی به امکانات جامعه؛ بخشی از نیازهای احساس شده افراد دارای ناتوانی برای تحقق حقوق آنها. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال 10، شماره 36، 313-335.
7. کربلایی، ابوالفضل. (1397). بررسی ویژگیهای منظر شهری از دیدگاه کودکان با توجه به رویکرد شهر دوستدار کودک. فصلنامه تازه های علوم شناختی، سال 20، 53-68.
8. کوبی سقی فاطمه. (1400). حق سلامت کودکان در ایران؛ پیاده‌سازی قوانین بین‌المللی. فصلنامه اخلاق و تاریخ پزشکی ایران. دوره 13، 403-417.
9. گرجی، علی اکبر. شیرزاد، زهرا. (1397). جایگاه حقوق معلولین در حوزه حقوق شهری. مطالعات راهبرد یاست گذاری عمومی، دوره 8، شماره 26، 137-163.



10. Giles-Corti, Billie ., Gunn, Lucy ., Hooper, Paula ., Boulangé, Claire ., Diomedi, Belén Zapata.(2019). Built environment and physical activity. In M. Nieuwenhuijsen & H. Khreis (Eds.), Integrating human health into urban and transport planning (pp. 347–381). Cham: Springer.
11. Hallgrimsdottir, Berglind., Wennberg, Hanna., Svensson, Helena., & Ståhl, Agneta. (2016). Implementation of accessibility policy in municipal transport planning– Progression and regression in Sweden between 2004 and 2014. *Transport Policy*, 49, 196–205.
12. Manley, S., de Graft-Johnson, A., & Lucking, K. (2020). Disabled architects: Unlocking the potential for practice.
13. Obschonka, Martin., Stuetzer, Michael., Rentfrow Jason., Potter, Jeff., & Gosling, Samuel. (2017). Did strategic bombing in the second world war lead to ‘German angst’? A large-scale empirical test across 89 German cities. *European Journal of Personality*, 31(3), 234–257.
14. Peng, Wey. (2020). CHILD'S INFRASTRUCTURE IN CITIES--URBAN PLANNING AND DESIGN TO GUARANTEE CHILD RIGHTS. *Landscape Architecture Frontiers*, 8(2), 100-110.
15. Shahraki, Abdol Aziz. (2021). Urban planning for physically disabled people’s needs with case studies. *Spat. Inf. Res.* 29, 173–184
16. To, Sharon., Helwig, Charles., & Yang, Shaogang. (2017). Predictors of children's rights attitudes and psychological well-being among rural and urban mainland Chinese adolescents. *Social Development*, 26(1), 185-203.
17. Young, Colleen. (2016). *Becoming responsible: Transitioning to adulthood facilitating the transfer responsibility for daily life tasks from parent to a child with disabilities* (Doctoral dissertation, Boston University).



The Rights of Children & Disabled in Urban Life (with Regard on Right to Health)

Mahsa Azad

Master Student in International Trade Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh,
Iran (Corresponding Author) Tarannom.mahsa@gmail.com

Akbar Bashiri

Assistant Professor, Department of Private Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University,
Maragheh, Iran.

M_akbar_bashiri@yahoo.com

Abstract

Background and Aim: considering that urban rights are one of the topics of interest in the urban life of people, especially children and disabled people, it is considered urgent to pay more attention to this issue. Children live in cities where it is necessary to pay attention to their citizenship rights, and on the other hand, creating the groundwork for the access of people with disabilities to social benefits and opportunities has always been a priority of programs related to the realization of the rights of the disabled.

Method: This research is descriptive-analytical. The research question is raised as follows: What are the rights of children and disabled people in urban life? And in other words, are the rights of children and disabled people considered in urban life?

Findings: The results show that in the collective space, the scope of the child's game is sometimes out of reach and sometimes faces serious defects. For example, children's right to travel has been limited due to the conditions of urban development and rider traffic. In the city, the appropriate contexts and legal standards that lead a comfortable and carefree life in which the natural, social and citizenship rights of children are respected are facing weakness. On the other hand, in the past years, when disabled people were less present in the social arena, their needs are also limited. A disabled person should have facilities to strengthen his motivation to work in society.

Conclusion: These facilities can include urban facilities, or mental and spiritual support. The gap between the disabled and progress should be reduced day by day so that their ability can be used in the development of the country and on the other hand, their rights as citizens can be secured.

Key words: Children Rights, Disabled People Rights, Urban Life, Right to Health.